

بررسی میزان شیوع اختلالات رفتاری در دانش آموزان دختر و پسر دبستانی شهر ایلام در سال تحصیلی 85-84

نسرین غیاثی^{1*}، فریبا نظرپور²، فریبا بختی²، عبدالحسین پورنجف³، خسرو شیرینی⁴

1) کارشناس ارشد مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی ایلام

2) کارشناس پرستاری، آموزشکده بهداشت، شاغل در معاونت آموزشی دانشگاه علوم پزشکی ایلام

3) کارشناس ارشد بهداشت حرفه ای، آموزشکده بهداشت، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی ایلام

4) کارشناس ارشد مدیریت آموزشی، دبیر آموزش و پرورش شهرستان ایلام

تاریخ دریافت: 85/6/11

تاریخ پذیرش: 86/4/20

چکیده

مقدمه: این تحقیق به منظور بررسی میزان شیوع اختلالات رفتاری در دانش آموزان دختر و پسر مدارس شهر ایلام انجام گرفته است.

مواد و روش ها: این مطالعه به روش توصیفی - مقطعی و علی-مقایسه ای (پس رویدادی) صورت گرفته است. جامعه آماری این مطالعه، شامل کلیه دانش آموزان دختر و پسر مقطع ابتدایی شهر ایلام (شامل 15283 نفر 7425 دختر و 7858 نفر پسر) در سال تحصیلی 85-84 بوده که از طریق روش غربالگری نمونه ای به حجم 840 نفر از آن مورد بررسی قرار گرفته اند. ابزار این پژوهش پرسشنامه راتر، فرم ویژه معلمان بوده که یافته های آن از طریق آمار توصیفی و استنباطی (آزمون χ^2 و ضریب همبستگی) تجزیه و تحلیل گردیده است.

یافته های پژوهش: یافته های تحقیق نشان داد که میزان کلی شیوع اختلالات رفتاری در دانش آموزان دوره ابتدایی شهر ایلام 5/5 درصد است که از این میزان 2/42 درصد مربوط به دختران و 3/08 درصد نیز به پسران اختصاص داشته است. نتایج همچنین نشان داد که بیشترین میزان شیوع اختلالات مربوط به اختلال کمبود توجه و بیش فعالی و کمترین میزان آن مربوط به اختلال رفتارهای ناسازگارانه می باشد.

بحث و نتیجه گیری: از یافته های تحقیق نتیجه گرفته می شود که بین متغیرهای جنس، سن، پایه تحصیلی، میزان تحصیلات والدین و اختلالات رفتاری دانش آموزان رابطه معنی داری وجود دارد. همچنین، ضرایب همبستگی محاسبه شده برای ابعاد چهارگانه اختلالات رفتاری (0/04-، در سطح 0/01) نشان داد که اختلالات رفتاری موجب کاهش پیشرفت تحصیلی دانش آموزان می شود.

واژه های کلیدی: اختلالات رفتاری، دانش آموزان دبستانی، میزان شیوع

* نویسنده مسئول: کارشناس ارشد مامایی عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی ایلام

مقدمه

هر جامعه ای برای پیشرفت و رشد در ابعاد مختلف اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی و ... نیاز به افرادی دارد که از نظر روانی و جسمانی سالم باشند. با توجه به اینکه کودکان امروز، صاحبان بلافصل آینده جامعه هستند، سلامتی و بیماری آنان در سلامتی و بیماری جامعه فردا و نسلهای آینده اثراتی قابل توجه خواهد داشت. بنابراین، لازم است به سلامت روانی-جسمانی این قشر عظیم بیشتر توجه شود و گامهایی اساسی در جهت پیشگیری و درمان بیماریها و اختلالات روانی و رفتاری آنان برداشته شود. در مجموع، تحقیقات معتبر انجام شده در جهان نشان داده اند که میزان اختلالات رفتاری در کودکان سنین دبستانی در مناطق مختلف متغیر بوده و معمولاً بین 2 تا 12 درصد است که در غالب موارد بررسی شده، میزان شیوع این اختلالات در پسران بیشتر از دختران بوده است. علاوه بر آن نتایج بررسیهای انجام شده نشان می دهد که میزان شیوع این اختلالات در دانش آموزان پایه های چهارم و پنجم دبستان بیش از سایر پایه هاست(1).

بررسی آماری ده کشور اروپایی و نیز نتایج مطالعات شیوع شناسی در 11 شهر و استان کشورمان نشان داده است که عواملی همچون نابسامانی های درون خانواده (عدم سازگاری والدین، سرزنش، تهدید، انضباط ضعیف، تحصیلات پایین والدین، فقر اقتصادی)، عوامل مربوط به مدرسه مانند روابط معلم و دانش آموزان و دانش آموزان با یکدیگر، وضعیت تحصیلی، کیفیت و امکانات آموزشی، همچنین سن، جنس، هوش به عنوان (عوامل وراثتی) و عوامل فرهنگی و اجتماعی، مهمترین علل بروز اختلالات رفتاری هستند(2). بنابراین، شناخت دقیق و علمی مشکلات روانی و رفتاری کودکان و شیوع شناسی اختلالات رفتاری آنان اولین گام در جهت پیشگیری و درمان آنهاست.

هدف اصلی این مطالعه، تعیین میزان شیوع اختلالات رفتاری در دانش آموزان دختر و پسر دبستانی شهر ایلام در سال تحصیلی 85-84 بوده است که به منظور، تعیین درصد اختلالات رفتاری دانش آموزان دبستانی به تفکیک جنس و نوع اختلال، رابطه بین عواملی همانند میزان تحصیلات، ترتیب تولد، وضعیت

تحصیلی، شغل والدین، سن و جنس با اختلال رفتاری و میزان همبستگی اختلالات رفتاری با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مد نظر قرار گرفت.

مواد و روش ها

جامعه آماری: جامعه آماری این تحقیق را کلیه دانش آموزان دختر و پسر مقطع ابتدایی شهر ایلام در سال تحصیلی 85-84 تشکیل داده است. کل جامعه 15283 نفر بوده که تعداد 7425 نفر از آنها دختر و 7858 نفر آنها پسر بودند.

برای تعیین اعضای نمونه از روش غربالگری استفاده گردید. با توجه به این که معلمان، مدیران و معاونین مدارس ارتباطی طولانی و نزدیک با دانش آموزان دارند، توسط محققین، مشخصات و ویژگیهای کودکان و دانش آموزان دارای اختلال رفتاری بصورت کتبی و شفاهی در اختیار آنان قرار گرفت و سپس از آنان خواسته شد که دانش آموزانی که چنین ویژگیهایی دارند را معرفی نمایند، که در نهایت از مجموع دبستانهای ابتدایی شهر ایلام تعداد 840 نفر بدین شیوه و با رعایت ملاحظات اخلاقی شناسایی و مورد بررسی قرار گرفتند. ضمناً تعداد 370 نفر از اعضای نمونه دختر و 470 نفر پسر بودند.

ابزار پژوهش: ابزار مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه اختلالات رفتاری راتر (Rutter) فرم ویژه معلمان بوده است. این پرسشنامه شامل 30 سوال بود که تعداد 24 سوال آن مستقیماً استخراج شده و تعداد 6 سوال نیز با توجه به فرهنگ و ویژگیهای خاص جامعه آماری به آن افزوده شده است. پرسشنامه ها توسط معلمان تکمیل شده (اطلاعات فردی و خانوادگی آنان مانند شغل والدین، معدل سال قبل و... توسط مدیران و دفترداران تکمیل گردید) و دامنه نمرات اکتسابی از صفر تا 60 متغیر بود. کسب نمره بالا به منزله وجود اختلال رفتاری (بیش از 9) و کسب نمره پایین تر از 9 نشانه بهنجاری است. اما به دلیل اینکه نمونه های این تحقیق به شیوه غربالگری انتخاب شده اند، همه کودکان انتخاب شده سطحی از اختلالات رفتاری را نشان دادند. روش تحقیق: در این مطالعه به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات از روشهای آمار توصیفی برای نشان

پسران به میزان 0/66 درصد بیش از دختران بوده است (جدول شماره 2، 1).

بیشترین میزان شیوع اختلالات رفتاری در پسران و دختران، مربوط به اختلال بیش فعالی - کمبود توجه (در پسران 1/02 درصد و در دختران 0/66 درصد) بود، و کمترین میزان شیوع، مربوط به اختلال رفتارهای ناسازگارانه (در پسران 0/43 درصد و در دختران 0/18 درصد) بدست آمد (جدول شماره 4).

دادن فراوانیها و درصدهای آنها، و نیز برای بررسی سطح معنی داری از روشهای آمار استنباطی نظیر همبستگی و آزمون χ^2 استفاده شده است.

یافته های پژوهش: میزان کلی شیوع اختلالات رفتاری در دانش آموزان مقطع ابتدایی شهر ایلام 5/5 درصد بود که از این میزان 2/42 درصد مربوط به دختران و 3/08 درصد به پسران اختصاص داشته است. این اطلاعات نشان داده که شیوع اختلالات رفتاری در

جدول 1. توزیع فراوانی و درصد اختلالات رفتاری دانش آموزان شهر ایلام در جمع و بر حسب جنس

جنس	فراوانی کل	فراوانی اختلال	درصد اختلال رفتاری نسبت به جمعیت هر جنس	درصد اختلال رفتاری هر جنس به نسبت کل جمعیت
دختر	7425	370	4/98	2/42
پسر	7858	470	5/98	3/08
جمع	15283	840	—	5/5

جدول 2. آزمون χ^2 و توزیع اختلالات رفتاری دانش آموزان ابتدایی شهر ایلام بر حسب جنس

اختلال رفتاری / جنس	فراوانی	درصد	مقدار χ^2	سطح معنی داری (P)
دختر	370	44	11/9	0/04
پسر	470	56		
جمع	840	100		

این توزیع نشان می دهد که شیوع اختلالات رفتاری در دختران به میزان 12 درصد کمتر از پسران بوده است. همچنین χ^2 محاسبه شده نشان می دهد که اختلاف معنی داری بین جنسیت و اختلالات رفتاری وجود دارد (P=0/04).

جدول 3. توزیع اختلالات رفتاری دانش آموزان بر حسب پایه تحصیلی

سطح معنی داری (P)	df	مقدار χ^2	درصد	فراوانی	اختلال رفتاری / پایه تحصیلی
			19/2	161	اول
			18/8	158	دوم
0/017	8	18/6	18	151	سوم
			19/8	166	چهارم
			24/3	204	پنجم
			100	840	جمع

این توزیع نشان داده که دانش آموزان پایه پنجم بیشترین میزان اختلالات رفتاری و پایه سوم کمترین میزان آن را به خود اختصاص داده اند. χ^2 محاسبه شده نیز نشان داده است که اختلاف معنی داری بین پایه تحصیلی و اختلالات رفتاری وجود دارد ($P = 0/017$).

جدول 4. توزیع فراوانی و درصد شیوع اختلالات رفتاری (بر حسب ابعاد چهار گانه اختلالات) در دختران و پسران مقطع ابتدایی شهر ایلام در سال تحصیلی 84-85

رفتارهای ناسازگارانه		رفتار ضد اجتماعی اختلال سلوک		اضطراب افسردگی		کمبود توجه بیش فعالی		اختلال رفتاری
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	جنسیت
0/18	28	0/65	99	0/76	116	0/83	127	دختر
0/43	66	0/76	116	0/87	133	1/02	156	پسر
0/61	94	1/41	215	1/63	249	1/85	283	کل

نمرات دانش آموزان می باشد که توسط معلمان و مدرسه از طریق پرسشنامه بدست آمده است).
 آزمون F نشان داد که نمرات اختلالات رفتاری کل، پیش بینی کننده پیشرفت تحصیلی می باشد. بدین ترتیب، با افزایش میزان اختلال پیشرفت تحصیلی کمتری حاصل می شود، $F=89/5$ و $P=0/001$. در این مطالعه، ضرایب همبستگی پیرسون بین نمرات، اختلالات رفتاری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان محاسبه شد. ضریب همبستگی محاسبه شده، برای اختلال رفتاری با پیشرفت تحصیلی، معادل $-0/40$ بود که در سطح $0/01$ معنی دار است. این بدان معنی است که با افزایش میزان

χ^2 محاسبه شده نشان می دهد که بین فاکتورهای: جنس ($P < 0/05$)، سن ($P < 0/01$)، پایه تحصیلی ($P < 0/05$)، میزان تحصیلات والدین ($P = 0/001$)، رتبه تولد ($P = 0/05$) و اختلالات رفتاری دانش آموزان تفاوت معنی داری وجود دارد (جدول شماره 2، 3، 4).

طبق نتایج تجزیه و تحلیل رگرسیون، نمره اختلالات رفتاری کل بیشترین همبستگی ($0/40$) را با پیشرفت تحصیلی دارد، به طوریکه اختلالات رفتاری کل به میزان $0/16$ تغییرات پیشرفت تحصیلی دانش آموزان را پیش بینی می کنند. (منظور از پیشرفت تحصیلی وضعیت درسی، میانگین نمرات یا معدل

اختلالات رفتاری، پیشرفت تحصیلی کمتری حاصل می شود.

بحث و نتیجه گیری

نتایج این تحقیق نشان داد که شیوع اختلالات رفتاری در دانش آموزان ابتدایی شهر ایلام 5/5 درصد است. راتر و همکاران (1965) در مطالعه ای تحت عنوان "همه گیر شناسی روی کودکان 10 و 12 ساله انگلیسی" میزان شیوع را 6/8 درصد به دست آوردند. گادیت (2001) در بررسی میزان اختلالات دانش آموزان دبستانی پاکستان میزان این شیوع را 4/26 درصد بدست آورده است. میرزایی (1379) میزان شیوع 4/15 درصد در کودکان 6 تا 12 ساله مدارس ابتدایی شهر قزوین و رجبی (1379) این شیوع را معادل 5/47 درصد در میان دانش آموزان شهر مذکور به دست آورده است (4,3). بنابراین، نتایج حاصل از این تحقیق در خصوص شیوع شناسی اختلالات رفتاری دانش آموزان مقطع ابتدایی شهر ایلام با نتایج تحقیقات اشاره شده همخوانی دارد.

علاوه بر این، نتایج به دست آمده در پژوهشهای انجام شده توسط میرزایی (1379)، راتر (1983) و وولف (1980) میزان اختلالات رفتاری در پسران را بیشتر از دختران عنوان داشته اند که یافته های تحقیق حاضر نیز نشان می دهد که میزان شیوع اختلالات رفتاری در پسران بیش از دختران است. در عین حال، یافته های این مطالعه مشخص نمود که بیشترین میزان شیوع اختلالات متعلق به کودکان 8 ساله (19 درصد) و سپس 11 ساله (16/9 درصد) بوده است. این یافته با نتایج به دست آمده توسط میرزایی (1379)، رجبی (1379)، راتر (1965)، کیتلمن^۱ و همکاران (1985)، نیکاپوتا^۲ (1991) و گادیت^۳ (2001) که بیشترین میزان شیوع اختلالات را در بین سنین 8 تا 12 ساله اعلام نموده اند، همخوانی دارد (6,5).

نتایج تحقیقات انجام شده توسط نیکاپوتا (1991) و دژکام (1371) نشان داده است که میزان شیوع اختلالات رفتاری در پایه های چهارم و پنجم دبستان بیش از سایر پایه های مقطع ابتدایی است. یافته های این مطالعه همچنین نشان داد که بالاترین میزان

اختلالات رفتاری مربوط به پایه های پنجم (24/3 درصد) و چهارم (19/8 درصد) می باشد. قابل ذکر است که در اکثر تحقیقات شیوع شناسی، به پایه تحصیلی توجه نشده است. براساس یافته های این مطالعه، که بین تحصیلات والدین و میزان اختلالات رفتاری رابطه معنی داری وجود دارد، به نحوی که بالاترین میزان اختلالات رفتاری مربوط به دانش آموزانی است که میزان تحصیلات والدین آنها زیر دیپلم (35 درصد) و سپس دیپلم (30/4 درصد) باشد و کمترین میزان آن مربوط به دانش آموزانی است که والدین آنها تحصیلات بالاتر از فوق دیپلم دارند. نتایج به دست آمده توسط علیخانی (1376) نیز این مساله را تأیید نموده است. یافته های این مطالعه نشان داد که بین شغل والدین و اختلالات رفتاری رابطه وجود دارد، به نحوی که کمترین میزان اختلال مربوط به دانش آموزانی است که والدین آنها مشاغل کشاورزی و دامپروری دارند و بیشترین میزان، مربوط به دانش آموزانی است که والدین آنها مشاغل آزاد دارند. در تحقیق انجام شده توسط شمس اسفندآباد (1380) نیز بر وجود رابطه بین شغل والدین با اختلالات رفتاری تأکید شده است (2,7).

همچنین یافته های این مطالعه نشان داد که بین رتبه تولد و میزان اختلالات رفتاری رابطه وجود دارد. بدین صورت که بالاترین میزان شیوع مربوط به فرزندان اول و دوم، و کمترین میزان آن مربوط به فرزندان ششم و بالاتر است. این در حالی است که یافته های دژکام (1371) و سالاری (1374) عدم ارتباط بین ترتیب تولد و اختلالات رفتاری را تأیید نموده اند، علاوه بر آن در اغلب تحقیقات شیوع شناسی این مساله بررسی نشده است.

به منظور بررسی رابطه بین اختلالات رفتاری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، ضرایب همبستگی پیرسون بین نمرات اختلالات رفتاری و پیشرفت تحصیلی محاسبه شد، ضریب همبستگی محاسبه شده برای تمامی ابعاد چهارگانه اختلالات رفتاری برابر 0/40- درصد به دست آمد که در سطح 0/001 معنی دار

۱. Kitelman

۲. Nikapota

۳. Gadit

البته نتایج حاصله از تحقیقات اشاره شده بطور کلی حاکی از تأیید تاثیر این عوامل در بروز و شدت بخشیدن به اختلالات رفتاری است.

با عنایت به میزان شیوع اختلالات رفتاری، روشهای مداخله ای ویژه ای به منظور کاهش میزان این اختلالات ارائه شده است. این روشها شامل پیشگیری (آموزش و ...) و مداخله های درمانی است، که آموزش کودکان در زمینه مهارتهای عملکردی، سازگاران، افزایش شایستگی، آموزش مهارتهای حل مسئله، مهارتهای کنترل خود و سایر مهارتهای فردی و اجتماعی، آموزش مهارتهای فرزندپروری به والدین و آموزش معلمان و دست اندرکاران تعلیم و تربیت کودکان، حذف خطرات روان شناختی محیط، تغییر عوامل و محرکها و تامین امکانات مادی و آموزشی لازم می باشد.

بود. این بدان معنی است که اختلالات رفتاری باعث افت تحصیلی می شود. نتایج حاصل از این پژوهش در خصوص مساله مذکور، با یافته های پژوهش بهینا (1375) و علیخانی (1376) مبنی بر وجود رابطه منفی بین پیشرفت تحصیلی و اختلالات رفتاری همخوانی دارد(3).

در برخی پژوهشهای انجام شده در کشور و خارج از کشور در ارتباط با موضوع، عوامل و متغیرهای دیگری از جمله نقش مواردی همچون طلاق و جدایی والدین، فوت والدین یا یکی از آنها، وضعیت اقتصادی خانواده، طبقه اجتماعی، نقش دوستان و همسالان، ناسازگاری درون خانواده، نوع برخورد والدین، جمعیت خانواده، بیماری جسمی، وضع انضباط خانواده، رفتار معلمان و عوامل مدرسه، روابط عاطفی و نظایر آن بررسی شده است که در این تحقیق این عوامل مطالعه نشده اند.

منابع

5- میرزایی ، مریم . بررسی درصد شیوع انواع اختلالات رفتاری کودکان 6 تا 12 سال از دیدگاه معلمان و والدین در مدارس شهرستان قزوین در سال تحصیلی 79-78 ، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی ، 1376.

6-Rutter MA .*Children's behavior questionnaire for completion by teachers; preliminary findings. J. psychol psychiatry. 1985; 8:1-11.*

7- سالاری ، عباس تأثیر فقدان پدر بر اختلالات رفتاری کودکان تحت پوشش کمیته امداد ، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی ، 1383.

1-باقری ، قادر . بررسی همه گیرشناسی اختلالات رفتاری در دانش آموزان شهر یاسوج ، پایان نامه کارشناسی ارشد/انستیتو روان پزشکی تهران ، 1373.

2-شمس اسفند آباد ، حسن . بررسی شیوع اختلالات رفتاری در دانش آموزان شهر ابهر ، شورای تحقیقات اداره آموزش و پرورش استان زنجان ، 1380.

3-رجبی ، مسعود . بررسی میزان و علل اختلالات رفتاری دانش آموزان دوره راهنمایی استان قزوین در سال تحصیلی 79-78 ، شورای تحقیقات اداره کل آموزش و پرورش استان قزوین ، 1379.

4-Rutter M, Tizard y, Yulew, et al. *Research report; ISLE of weight studies. Psycho Med, 1976; 6:313&332.*

Prevalence of Behavioral Disorders among School-boys & girls in Ilam During 2005-6

Ghiasi N.*¹, Nazarpur F.², Bakhti F.², Purnajaf A.³, Shirini KH.⁴

Abstract

Introduction: This study has been performed to assess the prevalence of behavioral disorders among the school-boys & girls in Ilam during two complete years of 2005 & 6.

Materials and Methods: The investigation has been accomplished in a cross-sectional comparative descriptive approach. All the school-boys and girls of elementary grade (including a total number of 7858 boys and 7425 girls) of 2005-6 academic year were covered as the statistic at community by the search. A screening method was used to select a sample group of 840 students for investigation. Rutter questionnaires and specific form for teachers were applied as the means of this study.

Findings: The results showed a 5,5% prevalence of behavioral disorder among the elementary students of which 2,42%

stood for the girls while 3,08% for the boys. It was also found out that the most rate of disorders are held to be related to lack of care (by the second person), and over-activity, while the least of it goes for unfriendly treatments.

Conclusion: It is concluded that the major causes of behavioral disorders among elementary school-students are held to be due to lack of adequate care and over-activity, while inconvenient behaviors are of the least effects. Thus, a significant relation was observed between variables of sex, school-grade, age, literacy degree of parents and the student's behavioral disorders. Furthermore, the finds also proved a reason for such disorders to be cause of retardation in the process of school progresses.

Key words: behavior disorders, school-boys & girls, prevalence

1. MSc. Of Miduifery, Faculty Member, Ilam University of Medical Sciences

2. MSc. in Nursing, Education Dept, Ilam University of Medical Sciences

3. MSc. Occupational Health, Faculty Member, Ilam University of Medical Sciences

4. Msc. Educational Management, Ilam Training & Education org